

قانون دیوان عدالت اداری

در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "اصل یکصد و هفتاد و سوم به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها و یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضایی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند" دیوان عدالت اداری که از این پس در این قانون دیوان نامیده می‌شود بر طبق مقررات این قانون تشکیل و حدود اختیارات و نحوه عمل آن تعیین می‌گردد.

فصل اول - تشکیلات دیوان

ماده ۱ - دیوان دارای ده شعبه خواهد بود هر شعبه دارای دو عضو عبارت از یک رئیس یا علی‌البدل رئیس و یک مشاور مگر در موارد بند الف از ماده ۱۱ این قانون که دو مشاور لازم است و در هر حال رأی نهایی با رئیس یا علی‌البدل رئیس شعبه می‌باشد رئیس شعبه اول سمت ریاست کل دیوان را خواهد داشت از دید شعب در تهران و جاهای دیگر منوط به نظر شورای عالی قضایی است.

تبصره - در صورت غیبت رئیس کل رئیس شعبه دوم قائم مقام ریاست کل است.

ماده ۲ - رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاوران دیوان با حکم شورای عالی قضایی برای مدت دو سال منصوب می‌شوند انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۳ - رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاوران دیوان باید واجد شرایط زیر باشند:

الف - عدالت، ایمان و تقوی و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران.

ب - معروفیت به حسن اخلاق و امانت و عدم محکومیت جزایی که مستلزم محرومیت از حق استخدام دولتی است و همچنین نداشتن محکومیت به مجازاتهای اداری یا انتظامی از درجه چهار به بالا.

ج - صحت مزاج و توانایی انجام کار قضایی و عدم اعتیاد به مواد مخدر.

د - تابعیت ایران.

تبصره ۱ - اشخاصی که به اتهام جرائم مذکور در بند ب علیه آنان کیفر خواست صادر شده است مادام که برانت حاصل نکرده‌اند از انتصاب به عضویت دیوان ممنوع‌اند.

تبصره ۲ - شورای عالی قضایی می‌تواند علاوه بر قضات دادگستری از قضات شرع و سایر کسانی که صلاحیت قضایی آنها از طرف شورای عالی قضایی یا هیأت منتخب شورا مورد تأیید قرار گرفته باشد برای مشاغل فوق دعوت نماید.

ماده ۴ - بودجه دیوان جزو بودجه دادگستری منظور خواهد شد.

ماده ۵ - حقوق رئیس کل دیوان و رؤسای شعب معادل حقوق پایه ۱۰ قضایی و حقوق اعضاء علی‌البدل و مشاوران معادل پایه ۹ قضایی خواهد بود فوق‌العاده قضایی رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاوران دیوان را شورای عالی قضایی تعیین می‌کند.

تبصره - در صورتی که حقوق قبل از انتصاب رئیس یا علی‌البدل یا مشاور دیوان بیش از حقوق معین در این ماده باشد به همان مأخذ دریافت می‌دارد.

ماده ۶ - رئیس و علی‌البدل و مشاور دیوان چنانچه از بین بازنشستگان انتخاب شوند تا زمانی که به این شغل اشتغال دارند از دریافت حقوق بازنشستگی ممنوع خواهند بود.

ماده ۷ - نمودار تشکیلاتی دیوان عدالت اداری و همچنین تعداد پست‌های سازمانی و عناوین آنها با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و پس از تصویب و تأیید شورای عالی قضایی به مرحله اجرا در می‌آید.

ماده ۸ - رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاوران و کارمندان دیوان نمی‌توانند در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است شغل موظف داشته باشند و همچنین نمی‌توانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاورت حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتها به استثنای شرکتهای تعاونی محلی و تعاونی ادارات و مؤسسات مذکور در فوق را برعهده گیرند.

ماده ۹ - مدت خدمت کارمندان اداری و قضایی دیوان از هر لحاظ جزو مدت خدمت رسمی آنان محسوب می‌شود.

ماده ۱۰ - به تخلفات انتظامی رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاورین دیوان در دادگاه انتظامی قضات رسیدگی خواهد شد. تخلفات قضات دیوان همان تخلفات قضات دادگستری می‌باشد.

فصل دوم - صلاحیت و حدود اختیارات دیوان

ماده ۱۱ - صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱ - رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

ب - تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای مذکور در بند الف در امور راجع به وظایف آنها.

پ - آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت بر خلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲ - رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاههای اداری هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳ - رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند یک و مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشگری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی.

تبصره ۱ - تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای یک و دو این ماده پس از تصدیق دیوان به عهده دادگاه عمومی است.

تبصره ۲ - تصمیمات و آراء دادگاهها و ساير مراجع قضايي دادگستري و نظامي و دادگاههاي انتظامي قضاات دادگستري و ارتش قابل شكايه در ديوان عدالت اداري نمي‌باشد.

تبصره ۳ - پرونده‌هايي كه براي رسيدگي به شكايات مربوط به اين بند در دادگاههاي عمومي يا ديوان عالي كشور مطرح است و تا تاريخ تشكيل ديوان منتهي به صدور حكم نگريده است به ديوان عدالت اداري احاله خواهد شد.

فصل سوم - ترتيب رسيدگي ديوان

ماده ۱۲ - رسيدگي در ديوان محتاج به تقديم دادخواست است كه بايد به زبان فارسي و در روي برگهاي چاپي مخصوص نوشته شود. دادخواست بايد به تعداد طرف دعوي به اضافه يك نسخه باشد رونوشت يا فتوكپي مصدق مدارك و مستندات به تعداد دادخواستها بايد ضميمه دادخواست تسليم گردد اگر دادخواستني فاقد امضاء و شرايط مذكور باشد از طرف مدير دفتر رد مي‌شود و شاكاي مي‌تواند تجديد دادخواست نمايد. تبصره - ديوان موظف است برگهاي مخصوص چاپي را مانند تمبر در سراسر كشور در اختيار مردم قرار دهد.

ماده ۱۳ - رسيدگي ديوان مجاني است و كساني كه مغرضانه دعوي بي‌اساس و خلاف واقع عليه اشخاص اقامه نمايند در صورت ثبوت غرض و خلاف واقع و بي‌اساس بودن دعوا مطابق قوانين مربوط تعقيب خواهند شد.

تبصره - شاكاي و ديوان قبل از رسيدگي و ثبوت تخلف اعلام شده حق افشاي آنرا ندارند مطبوعات و وسايل ارتباط جمعي نيز قبل از ثبوت تخلف از درج و نشر آن ممنوعند.

ماده ۱۴ - دادخواستهايي كه به ديوان داده مي‌شود از طرف رئيس ديوان به يكي از شعب ارجاع مي‌گردد دفتر شعبه مربوطه يك نسخه از دادخواست و ضمانت آنرا به طرف دعوي ابلاغ مي‌نمايد كه با رعايت مسافت بر طبق آيين دادرسي مدني، هر گونه جوابي داشته باشد ظرف ده روز كتباً اعلام نمايد و با انقضای مدت مزبور شعبه مربوط شروع به رسيدگي نموده پس از انجام تحقيقات لازمه رأي صادر مي‌نمايد.

ماده ۱۵ - شعبه مأمور رسيدگي مي‌تواند در حدود قانون هر گونه تحقيقي را كه ضروري است به عمل آورده يا انجام آنرا از هر يك از مراجع قضايي يا اداري تقاضا نمايد و مراجع مذكور مكلف به انجام آن مي‌باشند.

ماده ۱۶ - ديوان مي‌تواند در صورتي كه مقتضي بداند طرفين دعوي را براي رسيدگي و اخذ توضيح دعوت نمايد و همچنين ديوان در صورت لزوم مي‌تواند سوابق و اسنادي را كه در واحدهاي دولتي و مؤسسات وابسته و شهرداريها است مطالبه نموده و ملاحظه و مطالعه نمايد واحدي كه پرونده ياسند نزد اوست مكلف است در مهلتي كه ديوان تعيين کرده سوابق يا سند مورد مطالبه را ارسال نمايد و اگر به عللي انجام آن مقدور نباشد جهات آن رابه ديوان اعلام كند در غير اين صورت متخلف به انفصال موقت تا يك سال محكوم خواهد شد. همين مجازات مقرر است براي موردتي كه ديوان احتياج به اخذ توضيح از نماينده واحدهاي مذكور در بند الف ماده ۱۱ دارد و مسئول مربوط از تعيين نماينده خودداري كند يا نماينده تعيين شده از حضور در ديوان استنكاف نمايد.

ماده ۱۷ - ابلاغ اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مأمورین ابلاغ و اجرای دادگستری و با ضوابط آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

ماده ۱۸ - احکام دیوان در موردی که علیه واحدهای مذکور در بند الف ماده ۱۱ صادر گردیده قابل تجدید نظر شکلی است و در سایر موارد قطعی می‌باشد.

ماده ۱۹ - مهلت دادخواست تجدید نظر ده روز از تاریخ ابلاغ حکم دیوان می‌باشد تجدید نظر در هیأتی مرکب از رئیس کل یا قائم مقام دیوان و شش نفر از رؤسای شعب دیوان به قید قرعه به عمل می‌آید رأی اکثریت این هیأت قطعی است.

ماده ۲۰ - هر گاه در موارد مشابه آراء متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود رئیس کل مکلف است به محض اطلاع موضوع را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید برای تشکیل هیأت عمومی دیوان حضور لااقل سه چهارم رؤسای شعب لازم است رأی اکثریت هیأت عمومی برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ماده ۲۱ - واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آنها و نهادهای انقلابی مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است اجرا نمایند در صورت استتکاف مرتکب به حکم دیوان به انفصال از خدمت دولتی و قانونی محکوم می‌شود.

ماده ۲۲ - در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت بین دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری حل آن به وسیله دیوان عالی کشور به عمل می‌آید.

ماده ۲۳ - آیین‌نامه‌های مربوط به این قانون وسیله هیأت عمومی دیوان تنظیم و پس از تصویب شورای عالی قضایی به مورد اجرا در می‌آید.

ماده ۲۴ - ماده ۶۰ اصلاحی قانون استخدام کشوری و اصلاحیه‌های آن و قانون تشکیل شورای دولتی مصوب ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقرراتی که باین قانون مغایرت دارد در قسمتی که مغایر است از تاریخ تشکیل دیوان منسوخ است.

ماده ۲۵ - در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی دیوان عدالت اداری موظف است چنانچه شکایتی مبنی بر مخالفت بعضی از تصویب‌نامه‌ها و یا آیین‌نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی مطرح گردید شکایت را به شورای نگهبان ارجاع نماید، چنانچه شورای نگهبان طبق اصل ۴ خلاف شرع بودن را تشخیص داد دیوان حکم ابطال آن را صادر نماید و چنانچه شکایت مبنی بر مخالفت آنها با قوانین و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه بود، شکایت را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید و چنانچه اکثریت اعضاء هیأت عمومی شکایت را وارد تشخیص دادند حکم ابطال آن صادر می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر بیست و پنج ماده و نه تبصره در جلسه روز یکشنبه چهارم بهمن ماه یک هزار و سیصد و شصت با حضور شورای محترم نگهبان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

● ماده ۵ - هرگاه دادخواست توسط وکیل یا نماینده قانونی یا ولی یا وصی یا قیم یا مدیرعامل شرکت داده شده باشد باید رونوشت یا تصویر سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد .

تبصره- دادخواست و ضمايم آن و همچنين اوراق مربوط به رفع نقص و تکميل دادخواست بايد به وسيله پست سفارشی به نشانی دبیرخانه دیوان ارسال و یا توسط شاکی در قبال اخذ رسید به دبیر خانه دیوان تسليم گردد .

● ماده ۶ - طرفین می توانند برای طرح شکایت در دیوان و یادفای از شکایتی علیه آنان به دیوان تسليم شده شخصا " اقدام و یا يك وکیل از طرف خود تعیین و معرفی نمایند .

"تبصره - واحدهای مذکور در بندالف (ماده) ۱۱ (قانون دیوان عدالت اداری می توانند جهت پاسخگویی یا اداء توضیح در خصوص شکایاتی که علیه آنان در دیوان طرح می شود نماینده معرفی نمایند .

● ماده ۷ - شرایط وکالت در دیوان به شرح زیر است :

الف (وکیل بایستی از بین وکلای رسمی دادگستری و یادارای وکالتنامه رسمی باشد .

ب (چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد، امضاء یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده يك برسد .

پ (چنانچه وکالتنامه در خارج از کشور تنظیم شده باشد، امضاء یا اثر انگشت موکل باید به گواهی مامورین کنسولی برسد .

ت (تصریح به وکالت در دیوان یا مراجع قضایی در وکالتنامه .

● ماده ۸ - در امور زیر اختیارات وکیل باید در وکالتنامه تصریح شود :

الف (وکالت در طرح شکایت در دیوان عدالت اداری یا پیگیری آن .

ب (وکالت در استرداد شکایت یا انصراف از شکایت .

پ (وکالت برای درخواست تجدیدنظر از رای دیوان در مواردی که قابل تجدیدنظر است .

● ماده ۹ - دادخواست وارده در دفتر ثبت دادخواست کل دیوان و نیز در دفتر ویژه ای (رپرتوار کل) براساس حرف اول نام خانوادگی شاکیان ثبت می گردد و سپس از طرف رییس کل یا معاون دیوان که به او تفویض اختیار شده به یکی از شعب دیوان ارجاع می شود .

"تبصره: دبیرخانه مکلف است قبل از آنکه پرونده جهت ارجاع به نظر رییس کل دیوان برسد با مراجعه به دفتر رپرتوار کل چنانچه سابقه ای حاکی از طرح قبلی شکایت از طرف شاکی و یا از مشتکی عنه وجود داشته باشد مشخصات آن را در ذیل دادخواست ذکر نماید .

● ماده ۱۰ - پس از وصول وثبت دادخواست در صورت ملاحظه عدم رعایت هر يك از موارد مقرر در این آیین نامه مدیر دفتر مکلف است ظرف دوازده روز موارد نقص را کتبا " به شاکی اطلاع دهد، در صورتی که شاکی ظرف

پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهاریه با رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع نقص اقدام نکند از طرف مدیر دفتر قرار رد دادخواست صادر و به شاکی ابلاغ می شود و شاکی می تواند تجدید دادخواست نماید .

تبصره ماده ۱۰- در دادخواستهای موضوع ماده ۲۵ قانون اخطار رفع نقص توسط مدیر دفتر هیئت عمومی انجام می شود و در صورت صدور قرار رد در این مورد قرار مزبور ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض نزد رئیس کل دیوان یا معاون وی می باشد. الحاقی بموجب مصوبه « مواد و تبصره های الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری » در اجرای ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی

● ماده ۱۱- در صورت تکمیل دادخواست مدیر شعبه مکلف است ظرف دوازده روز از تاریخ ابلاغ دادخواست و ضمانت آن را برای ابلاغ به طرف شکایت ارسال دارد تا با رعایت مسافت بر طبق آیین دادرسی مدنی ظرف ده روز پاسخ خود را اعلام نماید. طرف شکایت باید به پاسخ کتبی خود تصویر یا رونوشت مصدق کلیه مدارک مورد استناد را نیز ضمیمه کند. با انقضای مدت مزبور مدیر دفتر باید پرونده را به ضمیمه گزارش خود مبنی بر کامل بودن دادخواست و ضمانت و نتیجه ابلاغ به طرف شکایت و وصول یا عدم وصول پاسخ طرف شکایت به نوبت به نظر رئیس شعبه دیوان برساند .

تبصره - رئیس شعبه دیوان می تواند در مواردی که ضروری تشخیص دهد به پرونده خارج از نوبت رسیدگی نماید .

● ماده ۱۲- در مواردی که در اجرای تبصره يك ماده يك اصلاحی قانون مشاور تعیین می شود، قبل از اتخاذ تصمیم شعبه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً "مطالعه و نظر کتبی خود را به شعبه مستدلاً" اعلام نماید .

● ماده ۱۳- هرگاه شاکی ضمن طرح شکایت مدعی گردد که اجرای تصمیمات و یا اقدامات مراجع مصرح در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری موجب ورود خساراتی خواهد شد که جبران آن در آئینه متعسر است می تواند دستور موقت مبنی بر توقف عملیات و اقدامات را تعیین تکلیف قطعی بنماید .

تبصره ۱- تقاضای صدور دستور موقت باید ضمن طرح دعوی اصلی در دادخواست جداگانه پس از تقدیم دادخواست نسبت به اصل ادعا در صورتی مسموع است که موجب آن بعداً "حادث شده باشد .

تبصره ۲- در صورت تقاضای دستور موقت مدیر دفتر شعبه مربوطه مکلف است بلافاصله پرونده را به ضمیمه گزارش لازم به نظر رئیس شعبه برساند .

● ماده ۱۴- مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت شعبه ای است که به اصل دعوی رسیدگی می کند و در صورت اتخاذ تصمیم به رد درخواست ، موضوع قابل طرح و رسیدگی مجدد نخواهد بود مگر آنکه امر حادثی ضرورت رسیدگی مجدد را ایجاب نماید. قبول یا رد دستور موقت قابل تجدیدنظر نیست .

● ماده ۱۵- در صورتی که از ناحیه شاکی دلایل و مدارک لازم در جهت احراز ضرورت امر رایج شده باشد و موضوع عملیات خاتمه نیافته باشد، شعبه پس از بررسی تقاضا و دلایل و مدارک مربوطه دستور موقت صادر می نماید .

تبصره ماده ۱۵- استتکاف از اجرای دستور موقت از سوی شعبه صادرکننده به رئیس دیوان گزارش داده میشود و رئیس دیوان پس از احراز تخلف بر طبق ماده ۲۱ اقدام خواهد نمود .

● ماده ۱۶ - دستور موقت تاثیری در اصل دعوی ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی یا قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن بلا اثر می گردد .

● ماده ۱۷ - شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت ، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید .

● ماده ۱۸ - تصمیم شعبه بدوی دیوان مبنی بر قبول دستور موقت یا رد آن به صورت دادنامه می شود ، مدیر دفتر مکلف است آنرا برای ابلاغ و اجرا به مرجع طرف شکایت ارسال نماید .

● ماده ۱۹ - در اجرای تبصره های ۱ و ۳ الحاقی به ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری منحصرأ" به اعتراضاتی رسیدگی می شود که پس از تاریخ اجرای این قانون و ظرف مهلت دومه از تاریخ ابلاغ رای معترض عنه واصل شده باشد . آراء قطعیت یافته دیوان که از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون بیش از دو ماه از تاریخ ابلاغ آن گذشته باشد از شمول تبصره ۱ خارج است .

● ماده ۲۰ - در موارد زیر قرار رد شکایت صادر می شود .

الف (در صورتی که شاکی برای طرح شکایت اهلیت قانونی نداشته و یا سمت او در طرح شکایت مجرز نباشد .

ب (وقتی شکایت متوجه مشتکی عنه نباشد .

پ (هرگاه کسی به عنوان نمایندگی طرح شکایت کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد .

ت (وقتی که شکایت طرح شده بین همان اشخاص یا اشخاصی که طرفین شکایت قائم مقام آنها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد .

«تبصره ماده ۲۰ - در صورتیکه در دادخواستهای موضوع ماده ۲۵ قانون بدلیل الغاء یا اصلاح مصوبه مورد شکایت از سوی مقام یا مرجع صادرکننده یا صدور رأی قبلی از سوی هیئت عمومی در مورد آن یا استرداد دادخواست و امثال آن موضوع رسیدگی منتفی باشد ، مدیر دفتر موضوع را به رئیس یا معاون دیوان منعکس می کند و با احراز موارد فوق از سوی رئیس یا معاون دیوان قرار رد دادخواست صادر خواهد شد . الحاقی بموجب مصوبه « مواد و تبصره های الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری « در اجرای ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی

● ماده ۲۱ - در مواردی که دیوان تشخیص دهد که رسیدگی به شکایات در صلاحیت دیوان نیست با صدور قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن پرونده را به مرجع صالح ارسال می دارد .

● ماده ۲۲ - موارد رد دادرسی در دیوان همان است که در آیین دادرسی مدنی مقرر است و حسب مورد پرونده جهت تعیین تکلیف به نظر رئیس کل دیوان می رسد .

● ماده ۲۳ - شعبه دیوان می تواند در صورتی که مقتضی بداند هر يك از طرفین شکایت را برای رسیدگی واخذ توضیح دعوت نماید و همچنین شعبه دیوان در صورت لزوم میتواند پرونده ها و سوابق و اسنادی را که در واحدهای دولتی و موسسات وابسته و شهرداریهاست مطالبه کرده و ملاحظه و مطالعه نماید . واحدی که پرونده یا سند نزد اوست مکلف است در مدت مقرر پرونده یا سوابق یا سند مورد مطالبه را ارسال نماید ، مگر اینکه ارسال

یا ابراز پرونده یا سند منافی با مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در این صورت باید پاسخ لازم یا توضیح کافی به شعبه دیوان بدهد و چنانچه شعبه دیوان با لحاظ توضیح مزبور ارسال و یا ابراز سند یا پرونده را لازم دانست اسناد یا پرونده مورد مطالبه را ارائه نماید و الا کسی که مسئولیت عدم ارسال یا ابراز سند یا پرونده متوجه اوست به حکم شعبه دیوان به انقصال موقت از خدمات دولتی و نهادهای انقلابی تا یکسال محکوم می شود. همین مجازات مقرر است برای موردی که شعبه دیوان احتیاج به اخذ توضیح از نماینده واحدهای مذکور در بند الف ماده ۱۱ قانون دیوان دارد و مسئول مربوط از تعیین نماینده خودداری کند یا نماینده تعیین شده از حضور در دیوان و اداء توضیحات مورد نیاز استنکاف نماید .

● ماده ۲۴ - در مواردی که عزل یا استعفای وکیل یا فوت یا ممنوعیت او از وکالت به دیوان اعلام شود، رسیدگی دیوان به تاخیر نخواهد افتاد و اگر توضیحی لازم باشد موکل می تواند شخصا " برای اداء توضیح حاضر شود و وکیل دیگری معرفی نماید .

● ماده ۲۵ - دیوان می تواند هرگونه تحقیقی را که برای رسیدگی به شکایت و صدور حکم ضروری است به عمل آورده و یا آن را از هر یک از مراجع قضایی یا واحدهای ذیربط تقاضا نماید و مراجع مزبور مکلف به انجام آن در مهلت مقرر می باشند .

● ماده ۲۶ - موضوع شکایت و خواسته باید منجز و بدون ابهام باشد و در صورت وجود ابهام شاکي مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ اخطاریه دیوان با رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع ابهام اقدام نماید و الا دادخواست در قسمتی که مبهم است و یا منجز نیست از طرف دیوان رد میشود و سپس شاکي می تواند پس از رفع ابهام تجدید دادخواست نماید .

● ماده ۲۷ - شکایت متعدد را که منشأ و مبنای آنها مختلف است نمی توان به موجب يك دادخواست اقامه کرد مگر آنکه دیوان بتواند به تمام آنها ضمن يك دادرسی رسیدگی نماید و همچنین اشخاص متعددی نمیتوانند شکایت خود را که موضوع و منشأ و مبنای مختلف دارد به موجب يك دادخواست اقامه نمایند. در صورت عدم رعایت این ماده دادخواست از طرف دیوان رد می شود .

● ماده ۲۸ - کلیه شکایات مطروحه در شعبه دیوان که موضوعا " واحدی مرتبط باشد به دستور رئیس کل دیوان جهت رسیدگی به شعبه ای که از لحاظ تاریخ ارجاع مقدم است ارجاع می شود .

● ماده ۲۹ - در صورتی که شاکي یا مشتکی عنه فوت یا محجور شود دادرسی تا تعیین و معرفی قایم مقام قانونی او متوقف می شود، مگر پرونده معد برای صدور رای باشد .

● ماده ۳۰ - شاکي می تواند دادخواست خود را در مرحله بدوی قبل از وصول پاسخ طرف شکایت یا انقضای مهلت آن مسترد دارد که در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می شود و شاکي می تواند يك مرتبه دیگر دادخواست خود را تجدید نماید .

● ماده ۳۱ - شاکي می تواند قبل از اعلام پایان رسیدگی دیوان در مرحله بدوی و تجدیدنظر از شکایت خود به طور کلی صرف نظر نماید که در این صورت قرار اقساط شکایت صادر می شود و دیگر شکایت قابل تجدید نیست .

● ماده ۳۲ - هرگاه رسیدگی دیوان منوط به ثبوت امری در مرجع صلاحیتدار دیگری است رسیدگی دیوان تا اعلام نتیجه قطعی رسیدگی از طرف مرجع مزبور متوقف و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذینفع باید ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان به مرجع صلاحیتدار مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح

موضوع به دیوان تسلیم نمایند و الا در مورد شاکی قرار ابطال دادخواست صادر و در مورد مشتکی عنه ادعای وی در آن قسمت بلااثر تلقی خواهد شد .

● ماده ۳۳ - در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دیوان اداری و محاکم دادگستری ، حل اختلاف بادیوان عالی کشور است .

● ماده ۳۴ - رئیس یادارس علی البدل شعبه بدوی دیوان باید پس از انجام رسیدگی و تکمیل تحقیقات و انجام مشاوره و ملاحظه نظر مشاور در مواردی که مشاور تعیین شده است ، ختم دادرسی را اعلام و ظرف يك هفته به صدور حکم مبادرت نماید .

● ماده ۳۵ - رای دیوان در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت آن ظرف سه روز به تعداد طرف شکایت به اضافه دونسخه تهیه و ارسال می شود .

● ماده ۳۶ - دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد :

الف (تاریخ و شماره دادنامه و شماره پرونده .

ب (مرجع صادرکننده رای .

پ (نام و نام خانوادگی و محل اقامت طرفین شکایت و نماینده قانونی آنها .

ت (خواسته .

ث (نام رئیس یا علی البدل و مشاور در مواردی که مشاور تعیین شده باشد و تصریح به انجام مشاوره .

ج (شرح شکایت و دفاع طرف و خلاصه اقدامات انجام شده .

چ (رای دیوان .

ح (امضاء رئیس شعبه و مهر شعبه .

تبصره- دادن رونوشت از اوراق پرونده منوط به اجازه رییس شعبه می باشد .

● ماده ۳۷ - مدیر دفتر شعبه مربوطه باید ظرف سه روز پس از آنکه دادنامه به امضاء رسید، نسبت به ابلاغ آن و تسلیم يك نسخه رونوشت گواهی شده آن به طرفین اقدام نماید. ابلاغ اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مامورین ابلاغ و اجراء دادگستری با ضوابط آیین دادرسی مدنی می باشد .

● ماده ۳۸ - هرگاه در مفاد رای دیوان ابهام و اجمالی باشد یا در تحریر آنها اشتباه یا سهو قلم پیش آمده باشد دیوان می تواند راساً " پایه درخواست ذینفع از رای رفع اجمال و ابهام کرده یا آنرا تصحیح نماید . تصمیم دیوان در این مورد به طرفین ابلاغ می شود و اعطای رونوشت دادنامه بدون انضمام تصمیم اصلاحی دیوان ممنوع است .

● ماده ۳۹ - آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین و یا قائم مقام یا وکیل و یا نماینده قانونی آنان قابل تجدید نظر میباشد. مهلت و مرجع تجدید نظر در پایان رای قید میگردد .

● ماده ۴۰ - مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رای است. چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی داده شود، شعب تجدیدنظر قرار رد آنرا صادر می کند .

● ماده ۴۱ - دادخواست تجدیدنظر باید به زبان فارسی و باخط خواناروی و اوراق چاپی مخصوص نوشته و معادل بیست هزار ریال تمبر قانونی به آن الصاق و ابطال شود و حاوی نکات زیر باشد :

الف (مشخصات طرفین شکایت و اقامتگاه آنان .

ب (مشخصات رای مورد تقاضای تجدیدنظر و تاریخ ابلاغ آن .

پ (ذکر کلیه اعتراضات نسبت به رای شعبه بدوی .

ت (تصویر یا رونوشت مصدق مدارک مورد استناد برای مورد اعتراض .

● ماده ۴۲ - دادخواست تجدیدنظر به دبیرخانه دیوان داده می شود. دفاتر شعب بدوی و تجدیدنظر نیز در صورت وصول دادخواست تجدید نظر آن را ثبت و باید به دبیرخانه ارسال دارند. دبیرخانه مکلف است ظرف دو روز از تاریخ ثبت به نظر رئیس کل دیوان برساند تا به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع شود. ملاک احتساب در مهلت، تاریخ اولین ثبت در مراجع مزبور یا تحویل به پست (پست سفارشی) می باشد .

● ماده ۴۳ - اگر مشخصات تجدیدنظرخواه در دادخواست معین نشده باشد یا محل اقامت او معلوم نباشد دادخواست بلا اثر می ماند و پس از انقضای مدت تجدیدنظر خواهی توسط مدیر دفتر رد خواهد شد مگر اینکه قبل از انقضای مهلت مقرر دادخواست خود را تکمیل یا تجدید نماید .

● ماده ۴۴ - هرگاه دادخواست تجدیدنظر از جهت نکات و شرایط مقرر در این آیین نامه ناقص و یا فاقد سند مثبت دادخواست دهنده باشد مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر ظرف دو روز از تاریخ ثبت دادخواست موارد نقص را کتبا "به متقاضی تجدیدنظر اطلاع می دهد تا ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ اخطار رفع نقص با رعایت مسافت بر طبق آیین دادرسی مدنی نسبت به رفع نقایص اقدام کند. در صورت عدم رفع نقص در مهلت قانونی دادخواست از طرف مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر رد خواهد شد .

● ماده ۴۵ - در صورت تکمیل پرونده مدیر دفتر مکلف است پرونده تجدید نظر را به ضمیمه پرونده بدوی به نوبت به نظر شعبه برساند. چنانچه شعبه برای اتخاذ تصمیم انجام تحقیقات یا اخذ توضیحاتی از طرفین یا ملاحظه اسناد و مدارکی را لازم بداند طبق مقررات اقدام می کند .

● ماده ۴۶ - شعبه تجدیدنظر مرکب از یک رئیس و دو مستشار است که با حضور دو نفر رسمیت می یابد و رأی که به اتفاق صادر می شود قطعی است . در صورت عدم حصول اتفاق آراء، مستشار دیگری به انتخاب رئیس کل دیوان در رسیدگی و صدور رای شرکت می کند و رای اکثریت قطعی است .

● ماده ۴۷ - شعبه تجدیدنظر پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات با اعلام ختم رسیدگی ظرف یک هفته رای بدوی را در صورتی که مطابق قانون تشخیص دهد تایید و الا با فسخ آن رای مقتضی صادر می نماید .

ط ماده ۴۸ - رای شعبه تجدید نظر ظرف یک هفته از تاریخ صدور باید پاکنویس شود و دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد :

الف (شماره و تاریخ دادنامه و کلاس تجدیدنظر .

ب (مشخصات شعبه تجدیدنظر :

پ (مشخصات کامل طرفین .

ت (موضوع اعتراض .

ث (گردش کارحای مفاد دادخواست بدوی و مدافعات طرف شکایت و خلاصه رای بدوی و موارد اعتراض و پاسخ آن .

ج (متن رای تجدیدنظر .

دادنامه پس از امضاء اعضاء صادرکننده رای قطعی و مهر شعبه تجدیدنظر به طرفین ابلاغ می شود .

● ماده ۴۹ - واحدها و مراجع دولتی مذکور در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است بلافاصله پس از ابلاغ دادنامه به مورد اجراء گذارند . در صورت استنکاف مرتکب با حکم رئیس کل دیوان به انفصال از خدمت دولتی و قانونی به مدت يك تا پنج سال محکوم می شوند .

تبصره ۱ ماده ۴۹ - شعب دیوان پس از قطعیت حکم آنرا به طرفین ابلاغ می نمایند و در صورتیکه محکوم له استنکاف محکوم علیه را به شعبه گزارش نماید و یا محکوم علیه معاذیری را در خصوص اجرای حکم مطرح کند که با صدور حکم اصلاحی و رفع ابهام از سوی شعبه مشکل حل نشود موضوع به رئیس یا معاون دیوان اعلام می کند .

تبصره ۲ ماده ۴۹ - اجرای حکم توسط رئیس یا معاون دیوان بر حسب مورد می تواند به یکی از طریق زیر انجام شود :

۱ (احضار و ابلاغ مجدد حکم و اخذ تعهد بر اجرای آن .

۲ (دعوت از طرفین دعوی و اقدام به حل مشکل اجرایی از طریق ایجاد مصالح بین طرفین به نحو مقتضی یا اخذ تعهد از محکوم علیه نسبت به جلب رضایت محکوم له در مدت معین .

تبصره ۳ ماده ۴۹ - در صورت اجراء نشدن حکم از طریق تبصره ۲ فرد مستنکف احضار و حکم صادره و مفاد ماده ۲۱ کتباً به وی تفهیم می شود و در صورت عدم تمکین وی نسبت به اجرای دادنامه رئیس دیوان مکلف است ظرف یکماه بر اساس ماده ۲۱ قانون دیوان حکم به انفصال وی صادر نماید این حکم قطعی است و پس از صدور کتباً به فرد مستنکف و مقام بالاتر وی ابلاغ می شود . الحاقی بموجب مصوبه « مواد و تبصره های الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری » در اجرای ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی

● ماده ۵۰ - در مورد تخلفات موضوع ماده ۲۳ این آیین نامه شعبه دیوان پس از رسیدگی حکم مقتضی صادر می نماید حکم شعبه دیوان در مورد انفصال پس از ابلاغ به واحد مربوط باید بلافاصله به مورد اجراء گذاشته شود .

● ماده ۵۱ - این آیین نامه که در ۵۱ ماده و ۷ تبصره در اجرای ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری توسط هیات عمومی دیوان عدالت اداری تنظیم و پیشنهاد شده و به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است جایگزین آیین دادرسی دیوان مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات و الحاقات مربوط به آن می شود و از تاریخ اجرای این آیین نامه مقررات مذکور ملغی است .

● ماده ۵۲ - در موارد اعلام اشتباه بین در مورد آراء قطعی شعب دیوان عدالت اداری از سوی رئیس قوه قضائیه، پرونده به هیأت عمومی ارسال می شود و هیأت عمومی موضوع را خارج از نوبت در دستور قرار داده و پس از بررسی در صورتیکه اعلام اشتباه را وارد تشخیص دهد دادنامه را نقض و پرونده جهت رسیدگی به شعبه همعرض دیوان ارجاع می شود .

● ماده ۵۳ - آراء هیأت عمومی برای شعب دیوان و کلیه مراجع قضائی و اداری ذیربط لازم الاتباع است و جز بموجب قانون یا رأی دیگر هیأت عمومی قابل تغییر نیست و در صورتیکه رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا بیست نفر از قضات دیوان یکی از آراء و هیأت عمومی را مغایر با قانون تشخیص دهند می توانند درخواست طرح مجدد مسئله را در هیأت عمومی مطرح کنند در اینصورت هیأت عمومی موضوع را خارج از نوبت در دستور قرار داده و پس از بررسی دلایل ابراز شده در جهت رد تقاضا و رأی بر ابقاء دادنامه مورد اعتراض یا وارد دانستن ایراد و نقض کامل دادنامه یا صدور دادنامه اصلاحی یا تکمیلی تصمیم مقتضی اتخاذ خواهند نمود . ملاک در اتخاذ تصمیم رأی اکثریت است